

## نکته‌های ترجمه و ویرایش (۶)

علی صلح‌جو

### کنش متقابل

این اصطلاح را برابر interaction گذاشته‌اند. معادل‌های «تعامل»، «اندرکنش» و «کنش و واکنش» نیز برای آن گذاشته‌اند. مخالفان «کنش متقابل» می‌گویند این اصطلاح به صورت صفتی این کلمه راه نمی‌برد؛ به عبارت دیگر، به کمک این اصطلاح نمی‌توان برای interactive معادل ساخت. به این ترتیب، اگر ما با عبارت interactive processes مواجه شویم، باید آن را «فرایندهای کنش متقابلی» ترجمه کنیم، که ترکیب مناسبی نیست. «تعامل» این مسئله را ندارد، اما فارسی‌گرایان آن را خوش ندارند.

طرفداران «اندرکنش» این کلمه را برای رویارویی با این مشکل ساخته‌اند زیرا به راحتی می‌توان آن را به «اندرکنشی» تبدیل کرد که صفت است.

اینکه در معادل‌سازی باید دقت شود که اصطلاح ساخته شده توانایی چرخش در حالت‌های صرفی گوناگون را داشته باشد نکته درستی است و باید. تا جایی که امکان دارد، آن را رعایت کرد. با وجود این، به این نکته نیز باید اندیشید که چرا ما در گذشته، و همچنین در حال حاضر، برای استفاده از صورتهای صفتی کلماتی نظیر «گفت‌وگو»، «شست‌وشو»، «دادوستد»، «رفت‌وآمد» و «زدو خورد»، که همه نوعی فعالیت دوطرفه و متقابل‌اند، دچار مضیقه نشده‌ایم. براساس الگوی بالا، «کردوکن» نیز می‌توان داشت.

### عمدتاً/ بیشتر

یکی از مسائل امروز ترجمه در ایران این است که مترجم تصور می‌کند برای هر کلمه انگلیسی باید یک کلمه فارسی تخصیص داد. این تصور غالباً نادرست است زیرا برخی از کلمات فارسی ممکن است مفهوم چند کلمه در زبان انگلیسی را یکجا در خود داشته باشند. بعید به نظر می‌رسد که ما در گذشته به مفهوم «عمدتاً» نیاز نداشته‌ایم، اما بسامد این کلمه در متون قدیم بسیار کم

است. به نظر می‌رسد که باز این کلمه در گذشته عمدتاً بر دوش «بیشتر» بوده و هیچ مشکلی نیز در کار نبوده است. ظاهراً فراوانی این کلمه در متنهای امروز ناشی از این بوده که مترجمان ما تصور کرده‌اند برای primarily یا mainly باید معادلی بگذارند که با معادل more (بیشتر) تفاوت داشته باشد. از این رو، این روزها جمله‌هایی نظیر «دانشجویان این کلاس عمدتاً دخترند» زیاد به گوشمان می‌خورد. این جمله، از نظر معنی، هیچ تفاوتی با جمله «بیشتر دانشجویان این کلاس دخترند» ندارد. به نظر می‌رسد که وفور کلمه عمدتاً سبب شده است که بین این کلمه و «بیشتر» به تدریج، نوعی تفاوت سبکی پیش بیاید، به نحوی که ولی به سبک رسمی و دومی به سبک خودمانی نزدیک شود.

### امریکانیسم (Americanism)

این اصطلاح به آن دسته از واژه‌های انگلیسی گفته می‌شود که منشأ آمریکایی دارند. مانند gangster (گنگستر)، نمی‌دانم این کلمه را انگلیسیها ساخته‌اند تا به نحوی به تخلصی‌های زبان انگلیسی اشاره کنند، یا اینکه آمریکاییها ساخته‌اند تا بگویند زبان انگلیسی به کمک آنها «غنی» شده است. هر دو این اصطلاح نشان می‌دهد که هر زبان از زاویه‌ای خاص به پدیده‌ها می‌نگرد. وقتی این اصطلاح را در زبان فارسی می‌بینیم معادل آن در زبان فارسی (کلمات دخیره) مقدیسه می‌گردد. این اصطلاح در واقع فرهنگ ایرانی به داخل شونده نگه کرده و کاری به پدید آمدن این اصطلاح در زبان فارسی ندارد. در واقع این اصطلاح به فرنگی بوده است.

### مترجم، نزدیک‌اندیش

از مترجمان، هنگامی که معادلی برای sandal رویرو می‌شوند، آن را به «کفش» ترجمه می‌کنند زیرا فکر می‌کنند «سندل» در اینجا تشابه می‌کند، اما هنگامی که چند صفحه جلوتر می‌روند، ممکن است با جمله زیر برخورد کنند. همه «کفش» به پا داشتند و فقط او بود که «سندل» به پا داشت. در اینجا مشکل پیش می‌آید. مترجم می‌اند، که قبلاً «کفش» را «سندل» کرده است. درمی‌ماند که چگونه خود را از این مخصوصه نجات دهد. البته، حقیقت این است که اگر پای جمله دوم در میان نباشد، مشکلی پیش نمی‌آید. بنابراین، دور نداشتی بیش از حد نیز در ترجمه خوب نیست.

## التقاط الکتریکی

اشتباه چشمی در ترجمه گاه پیش می‌آید؛ اما شرایط باید جمع آید تا این اشتباه به خواننده نیز برسد. منظور این است که صرف رؤیت کلمه‌ی به جای کلمه‌ی دیگر سبب نمی‌شود که ترجمه نادرست از کار دربیاید. فرض کنید مترجمی جمله «He put the hook on the table» را به اشتباه به «او کتاب را روی میز گذاشت» ترجمه کند. تشابه بصری مترجم در پنج خیلی غیرطبیعی نیست زیرا، از یک سو، hook و book خیلی شبیه‌اند و، از سوی دیگر، بافت کلاه نیز آن را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر، خیلی طبیعی است که ما «کتاب را روی میز» بگذاریم. اما اگر مترجمی در جمله «He put the hook on the fishing-rod» کلمه hook را به اشتباه book ببیند و جمله را به «او کتاب را روی قلاب ماهی‌گیری گذاشت» ترجمه کند، باید در سلامت عقل او تردید کرد.

یکبار به جمله‌ای برخوردیم که مترجم در آن electric و electic را دیده بود که چیز چندان غریبی نیست چون خیلی به هم شباهت دارند. عجیب این بود که «الکتریکی» را به جای «التقاطی» در جمله فارسی زیر نشانده و هیچ چیز غیرطبیعی نیز در آن ندیده بود: «برداشت الکتریکی او از مسئله سبب گهرهی‌اش شده بود».

## یک به هشت

اگر هر کلمه از زبان انگلیسی، یا هر زبان خارجی دیگر، با یک کلمه از فارسی جفت‌وجور می‌شد، هیچ مشکلی در ترجمه باقی نمی‌ماند. متأسفانه، نه در زبان فارسی، و نه در هیچ دو زبان دیگری، چنین وضعیتی برقرار نیست. همین cousin انگلیسی را در نظر بگیرید که هم پسرعمو است و هم دخترعمو، هم پسرعمه است و هم دختر عمه، هم پسر دایی است و هم دختر دایی، و دست آخر اینکه هم پسرخاله است و هم دخترخاله. آیا کلمه‌ای در فارسی داریم که این هشت معنا را یکجا در خود داشته باشد؟ ضمناً، آنهایی که فکر می‌کنند زبان انگلیسی بسیار دقیقتر از زبان فارسی است، به این نکته توجه کنند.

## جنسیت و زبان

جنسیت، به‌طور طبیعی، با زبان کاری ندارد. یا، اگر کار داشته باشد، کارش بی‌ضرر است و

میتازی برای هیچ یک از دوجنس همسر ندارد. مذکر و مؤنثی که در زبان عربی و فرانسه وجود دارد از این جنس است. این که کلمه صندلی «مذکر و میز» مؤنث باشد، به نفع یا ضرر مردان و زنان نیست. اما اگر جامعه مردسالار یا زن سالار باشد، واژه‌ها از تشعشعات آن بی‌نصیب نمی‌مانند. مثلاً، در جامعه مردسالار، اگر مرد کار برجسته و مهمی بکند، معروف خواهد شد اما چنانچه زن چنین کند، معروفه.

### نظام الفبایی و مردسالاری

دکتر شمس‌الدین ادیب سائطانی، در راهنمای آماده ساختن کتاب، درباره الفبایی کردن نام افراد در فهرست راهنما (نمایه)، می‌گوید بعضی سبها در فارسی و برخی زبانهای دیگر برای زن و مرد یکی است. مانند فرخ، نصرت و نور. سپس اضافه می‌کند که اگر وضعیتی پیش بیاید که، مثلاً، دو تا نصرت (یکی زن و دیگری مرد) داشته باشیم: «توصیه می‌شود همواره نخست نام مرد و سپس نام زن آورده شود (۱۳۶۳: ۶۰۲). گاه بهتر است آدم کار را به جاهای بازیگ نکشاند تا مجبور به قضاوت شود، حقیقت این است که اینجا جایی است که یک جنس باید ناراضی شود. به نظر می‌رسد زبان آینه خوبی برای نشان دادن قدرت است. ♦